

نقش اعتمادسازی در امنیت اجتماعی شهر تهران

محسن مرادیان^۱

مسعود اصلانی^۲

حمید علیپور صبحی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۳/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۱/۱۸

چکیده

امنیت اجتماعی به عنوان یکی از ابعاد امنیت ملی دلالت بر همبستگی اجتماعی دارد. به بیان دیگر امنیت اجتماعی زمانی تحقق می‌یابد که افراد خود را عضو یک گروه (جامعه) بدانند و به آن پایبند باشند. از سوی دیگر سرمایه اجتماعی به عنوان یکی از اقسام سرمایه‌های یک جامعه (در کنار سرمایه اقتصادی و سرمایه انسانی)، تسهیل‌کننده مدیریت بحران در هنگام حمله دشمن محسوب می‌گردد که تأمین‌کننده یکی از اهداف پدافند غیرعامل است. این تحقیق در پی بررسی چگونگی تأثیرگذاری اعتمادسازی (به عنوان مهم‌ترین مؤلفه سرمایه اجتماعی) در امنیت اجتماعی است. در این تحقیق مبانی نظری امنیت اجتماعی (آموزه‌های دینی، الگوهای مشترک زبانی، آداب و رسوم اجتماعی، ارزش‌های مشترک اجتماعی و هنجارهای مشترک اجتماعی) از قرآن مجید، نظریات حضرت امام خامنه‌ای و نظرات صاحب‌نظران این حوزه استخراج شده است. همچنین مبانی نظری اعتمادسازی (بنیادی، بین شخصی، تعمیم‌یافته و نهادی) بر اساس نظریات گیدنز، زتومکا و اریکسون استخراج گردیده است. در این تحقیق از میان کارشناسان حوزه‌های منتخب اجتماعی یعنی رسانه ملی، معاونت اجتماعی ناجا، اداره کل امور اجتماعی استانداری تهران و صاحب‌نظران دانشگاهی تعداد ۷۹ نفر با استفاده از فرمول کوکران و به روش نمونه‌گیری هدفمند غیرنسبتی انتخاب و پرسش‌نامه محقق ساخته (۷۵ نفر) و نیز مصاحبه (۴ نفر) بر روی آنان اجرا گردید. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد انجام اقدامات اعتمادسازی در حوزه اجتماعی به تغییر در هویت گروهی (نحوه نگرش به ارزش‌های مشترک اجتماعی و هنجارهای مشترک اجتماعی) و هویت فردی (آداب و رسوم یا سبک زندگی و آموزه‌های دینی) می‌انجامد. همچنین هر دو بعد هویت (هویت فردی و هویت اجتماعی) بیشتر از همه انواع اعتماد، تحت تأثیر اعتمادسازی تعمیم‌یافته قرار دارند. هویت فردی پس از اعتماد تعمیم‌یافته، تحت تأثیر اعتمادسازی بین شخصی قرار دارد. لیکن در مجموع اعتمادسازی تأثیر چندانی بر الگوهای مشترک زبانی ندارد.

واژگان کلیدی: امنیت اجتماعی، اعتماد تعمیم‌یافته، اعتماد بین شخصی، اعتماد نهادی، اعتماد

بنیادی، هویت فردی، هویت اجتماع

۱. مدرس دانشگاه فارابی (mohsenmoradian@hotmail.com)

۲. مدرس دانشگاه فارابی (aslani6368@gmail.com)

۳. کارشناسی ارشد پدافند غیرعامل دانشکده فارابی، نویسنده مسئول (Hamidalipoursobhi@gmail.com)

مقدمه

مهم‌ترین هدف در پدافند غیرعامل، حفظ سرمایه‌های کشور است. در دنیای امروزی سه نوع سرمایه برای شناخت قدرت یک جامعه مورد ارزیابی قرار می‌گیرد: سرمایه اقتصادی (مشمول بر سرمایه زیرساختی و سرمایه مالی)، سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی. از دیدگاه بسیاری از متفکران، سرمایه اجتماعی نقش بسیار مهم‌تری از دیگر سرمایه‌ها دارد و هنجارهای مشترک و اعتماد است. اعتماد را باید درون‌مایه سرمایه اجتماعی تلقی کرد. فوکویاما اعتماد را محور اصلی سرمایه اجتماعی می‌داند. اعتماد از آنجایی که یک نوع رفتار ضابطه‌مند را می‌سازد، جایگزین بسیاری از منابع قدرتی می‌شود که در پی وادار نمودن افراد به اجرای رفتارهای ضابطه‌مند هستند. از نظر فوکویاما اعتماد منجر به کاهش هزینه و افزایش نتایج بدون ضرورت تعریف و تولید سازمان‌های عریض و طویل سیاسی - اجتماعی می‌گردد و به همین دلیل است که هرچه اعتماد افزایش یابد، روانی و ثمربخشی رفتارها بیشتر می‌شود. با عنایت به همین جایگاه خاص اعتماد است که اندیشه‌گران پیرو فوکویاما، مایل به تقلیل تمام ابعاد سرمایه اجتماعی به اعتماد هستند (افتخاری، ۱۳۸۹: ۱۰۷).

اعتماد در طول زمان و با توجه به تجربه و شناخت انسان از محیط بیرونی و با زمینه‌های درونی و بیرونی شکل می‌گیرد و محصول شرایط اجتماعی و سیاسی و اقتصادی است. زمانی ما به کسی اعتماد می‌کنیم که تجربه‌ای از اعتماد موفق را داشته باشیم. چراکه در ذات اعتماد پذیرش نوعی مخاطره وجود دارد. حال تجربه جامعه ایرانی از اعتماد چگونه تجربه‌ای بوده است که به کاهش سطح اعتماد به دیگران انجامیده است و آیا این تجربه بر امنیت اجتماعی تأثیرگذار است؟

از امنیت اجتماعی به عنوان یکی از ابعاد امنیت ملی نام برده می‌شود. لیکن از امنیت اجتماعی برداشت‌های متفاوتی وجود دارد. برخی از این برداشت‌ها امنیت اجتماعی را مساوی با امنیت عمومی تلقی می‌کنند. به نظر محقق علت این موضوع مرجع امنیت است که در هر دو (امنیت عمومی و امنیت اجتماعی) مرجع امنیت عموم مردم است. در حالی که مفهوم امنیت اجتماعی در این تحقیق، به حفظ ویژگی‌هایی برمی‌گردد که بر مبنای آن‌ها افراد خود را عضو یک گروه می‌دانند. به بیان دیگر امنیت معطوف به جنبه‌هایی از زندگی فرد می‌گردد که هدایت گروهی او را سامان می‌بخشد و بوزان امنیت اجتماعی را قابلیت حفظ الگوهای سنتی زبان، فرهنگ، مذهب، هویت و عرف ملی با شرایط قابل قبولی از تحول می‌داند (مرادیان، ۱۳۹۰: ۲۷).

پس مهم‌ترین مفهوم در امنیت اجتماعی کشور همگرایی و یکتایی جمعیت آن کشور است. ویور نیز معتقد است امنیت اجتماعی همان امنیت هویت است و جامعه مورد مطالعه هنگامی

احساس امنیت می‌نماید که هویت و هسته حیاتی گروه در معرض مخاطره درونی یا بیرونی نباشد و اعضای گروه به سهولت بتوانند به حیات عادی و ابزار متعارف خود مبادرت کنند. (نصری، ۱۳۹۱: ۷۰) با عنایت به اینکه اعتماد متقابل اجتماعی خود یکی از عناصر نظم اجتماعی و موجب ایجاد انسجام در جامعه است، این سؤال برای محقق مطرح است که در میان مردم گفته می‌شود، اعتماد بی‌جا موجب ناامنی و خطر می‌گردد. آیا ممکن است که اعتمادسازی منجر به تغییر در یکی از سطوح امنیت گردد؟

ضرورت و اهمیت تحقیق

۱) وجود تهدیدات اجتماعی علیه جامعه ایران بر هیچ‌کس پوشیده نیست. گرچه کاهش اعتماد اجتماعی خود تهدید مستقلاً علیه امنیت اجتماعی محسوب نمی‌شود، اما وجود جو بی‌اعتمادی عمومی قطعاً به‌عنوان یک عامل تشدیدکننده مورد توجه است. فقط کافی است به این نکته توجه کنیم که در چرخه رسیدن به یک بحران اجتماعی از مرحله مسئله یا مشکل تا مرحله بحران، فقدان اعتماد به نظم سیاسی موجود (اعتماد نهادی) تا چه اندازه می‌تواند رسیدن به مرحله بحران را تسریع کند. در این تحقیق سرچشمه‌های اعتماد نهادی (سایر سطوح اعتماد) نیز بررسی می‌گردد که فایده آن شناخت بهتر راه‌های اعتمادسازی نهادی است. تاکنون از این منظر به مسئله تهدیدات اجتماعی توجه نشده است و انجام این تحقیق می‌تواند با تکیه بر موضوع اعتمادسازی اجتماعی در این مسیر راهکار ارائه دهد و مورد استفاده قرار گیرد.

۲) در رابطه اعتماد دست‌کم دو طرف وجود دارد: اعتماد کننده و امین (کلمن، ۱۳۷۷: ۱۵۲). این تحقیق به بازخورد اعتماد بین اعتمادکننده و امین می‌پردازد و تأثیر آن بر هویت فردی و اجتماعی را خواهد سنجید. این تحقیق تلاش خواهد کرد بازخورد اعتماد اجتماعی را در سه سطح اعتماد بین شخصی، اعتماد تعمیم‌یافته و اعتماد نهادی بررسی نموده و اثر آن بر امنیت اجتماعی را بسنجد.

۳) افزایش اعتماد متقابل، شکل‌گیری تعاملات و تداوم آن را تسهیل می‌کند و در مقابل، فقدان آن روابط بین افراد را به سمت اندیشه "نفع شخصی" متمایل می‌کند و منافع همگانی در روابط اجتماعی و تصمیم‌گیری‌ها لحاظ نمی‌شود. در نتیجه وقتی که هر کس بخواهد منافع خودش را بدون توجه به منافع دیگران و مجموعه هنجارهای پذیرفته‌شده دنبال کند، پیوندهای مشترک از بین می‌رود. این پیوندهای بادوام و مشترک به‌عنوان عامل اولیه همبستگی جامعه محسوب می‌شود و فقدان آن، جامعه را آسیب‌پذیر می‌کند. این تحقیق در پی آن است که فرایند توضیح‌داده‌شده را در امنیت اجتماعی بررسی نماید. ثمره تحقیق احتمالاً خواهد توانست

راهکاری برای مدیریت این فرایند در حوزه روابط اجتماعی را مطرح نماید و در جهت رفع آسیب‌پذیری یادشده راهکاری ارائه دهد.

۴) جامعه ما دوران نهادسازی را بدون پشتوانه اعتمادسازی انجام داده است. لذا در صورت انجام ندادن این تحقیق و با عنایت به تزلزل نظم پیشین جامعه (جامعه سنتی و الزامات نظم آن) و کاهش اعتماد وابسته به آن از یک‌سو و جایگزین شدن ناقص ارزش‌های یک جامعه جدید و ریشه‌دار نشدن آن از سوی دیگر، الزامات وضع جدید از اعتماد در جامعه به‌خوبی شناسایی نمی‌شود.

۵) تحولات اجتماعی آینده همچون گسترش روزافزون رسانه‌ها (به‌ویژه رسانه‌هایی که در اختیار حاکمیت نیست) می‌تواند وضعیت کمبود اعتماد را تشدید نماید. شاید بتوانیم حدس بزنیم که رسانه‌های معاند چه اثری بر اعتماد نهادی می‌توانند داشته باشد؛ اما این نکته که این رسانه‌ها چه اثری بر اعتماد بنیادی، بین شخصی و تعمیم‌یافته دارند پیش‌بینی‌شدنی نیست. فقدان این تحقیق جامعه را به‌سوی توجه افراطی به یکی از انواع اعتمادسازی و بی‌توجهی به انواع دیگر اعتمادسازی اجتماعی سوق خواهد داد. ضمن آنکه هدف اغلب این رسانه‌ها تغییر در هنجارها، ارزش‌ها و سبک زندگی در ایران است.

۶) گسترش روزافزون رسانه‌ها تأثیر زیادی بر اعتماد اجتماعی دارند. با توجه به این نکته که میزان مصرف رسانه‌ها در شهر تهران از متوسط کشوری بالاتر است (رضوی زاده، ۱۳۸۶: ۱۵) سنجش نکردن اثر این رسانه‌ها بر اعتماد اجتماعی تأثیر منفی بر شناخت از جامعه ایرانی خواهد داشت.

فرضیه تحقیق

فرضیه اصلی موردنظر در این مقاله عبارت از آن است که اعتمادسازی از طریق تأثیر بر هویت فردی و هویت اجتماعی در امنیت اجتماعی شهر تهران نقش دارد.

اهداف تحقیق

تحقیق به نگارش درآمده، برای پاسخگویی به سؤال تحقیق اهداف زیر را بررسی می‌کند:

۱. بررسی نقش اعتمادسازی در حفظ هویت فردی ساکنین شهر تهران
۲. بررسی نقش اعتمادسازی در حفظ هویت اجتماعی ساکنین شهر تهران

پیشینه تحقیق

۱) تقی آزاد ارمکی و افسانه کمالی در تحقیق جامعی که در سال ۱۳۸۱ و در سراسر کشور و با حجم نمونه ۸۲۰۶ نفر انجام‌شده است، به بررسی میزان اعتماد اجتماعی در کشور و تأثیر جنسیت بر آن پرداخته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که: سطح اعتماد متقابل در ایران

چندان مناسب نبوده (۵/۲۷ از ۱۰) و اعتماد متقابل در میان زنان کمتر از مردان است. (۵/۲۳ از ۱۰ برای زنان و ۵/۳۲ از ۱۰ برای مردان) همچنین مصرف رسانه‌ها بر اعتماد متقابل اثر مستقیم داشته و نیز تأهل تأثیری بر اعتماد متقابل ندارد. گفتنی است در اغلب پایان‌نامه‌ها و پژوهش‌هایی که در حوزه اعتماد اجتماعی انجام گرفته است، به نتایج این پژوهش اشاره گردیده است.

۲) قربانعلی ابراهیمی و علی بابازاده بای در مقاله‌ای با عنوان بررسی تأثیر رسانه‌های جمعی بر اعتماد اجتماعی در شهر بابل (ارائه شده در سال ۱۳۸۹) به این نتیجه رسیده‌اند که رابطه بین استفاده از تلویزیون داخلی و ماهواره‌ای و استفاده از مطبوعات داخلی معنادار است؛ ولی رابطه استفاده از رادیوی خارجی و اینترنت معنادار نیست. استفاده از تلویزیون ایران بر اعتماد اجتماعی اثر مثبت و استفاده از تلویزیون ماهواره‌ای بر اعتماد اجتماعی اثر منفی دارد. همچنین استفاده از مطبوعات داخلی بر اعتماد اجتماعی اثر منفی دارد.

۳) فاطمه گلایی در رساله دکترای خود با عنوان مطالعه اعتماد اجتماعی در شهر تبریز با رویکرد نسلی (اسفند ۱۳۸۹) به بررسی مقایسه‌ای اعتماد تعمیم یافته در میان نسل‌های مختلف می‌پردازد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در هر سه بعد اعتماد اجتماعی میزان سرمایه فردی (شغل، تحصیلات و جایگاه اجتماعی) اثرگذار است. همچنین در اعتماد شخصی و بین شخصی تفاوتی بین سه نسل (نسل قبل از انقلاب و جنگ، نسل انقلاب و جنگ، نسل بعد از انقلاب و جنگ) مشاهده نشد؛ ولی در بعد اعتماد تعمیم یافته بین نسل‌های سه گانه تفاوت وجود دارد و با افزایش سن، اعتماد زیادتر می‌شود. همچنین نسل انقلاب و جنگ در مقایسه با دو نسل دیگر ارزیابی بهتری از رعایت قواعد هنجاری در جامعه داشته و اعتماد بیشتری به نهادها دارند.

۴) رضا رحیمی در مقاله‌ای با عنوان بررسی نقش رسانه‌های جمعی در شکل‌گیری اعتماد اجتماعی در بین ساکنان شهر رشت (ارائه شده در خرداد ۹۱) تأثیر رسانه‌های جمعی بر اعتماد اجتماعی (در چارچوب نظریه‌های پاتنام و کلمن و گیدنز) را موردسنجش قرار داده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که رسانه‌ها ۶۰ درصد از میزان اعتماد اجتماعی مردم را واپایش می‌کنند که در این بین نقش تلویزیون از همه رسانه‌ها پررنگ‌تر است. نتیجه دیگر این که اعتماد مردم به رسانه‌ها بیشتر در زمینه‌های ترویج قانون‌گرایی، رعایت هنجارها، بیان فواید کار گروهی و تقویت فرهنگ دینی است.

۵) ذاکری هامانه و دیگران در مقاله‌ای با عنوان بررسی رابطه میزان سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در شهر یزد (ارائه شده در پاییز ۹۱) به بررسی احساس امنیت اجتماعی در

دوازده بعد جانی، مالی، اقتصادی، فرهنگی، شغلی، اخلاقی، عاطفی، احساسی، فکری، حقوقی، قوانین و نوامیس سنجیده شد و سرمایه اجتماعی در مؤلفه‌های اعتماد، شبکه‌ها و هنجارهای اجتماعی پرداخته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که رابطه همبستگی قوی بین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی و ابعاد احساس امنیت اجتماعی وجود دارد.

مفهوم اعتمادسازی: در فرهنگ فارسی معین اعتماد به ترتیب زیر تعریف شده است: تکیه کردن، واگذاشتن کار به کسی و سپردن چیزی به کسی، وثوق، متکی بودن به خویشتن (معین، ۱۳۸۲: ۲۷۹). دست کم سه رویکرد متمایز برای ایجاد اعتماد وجود دارد:

اول: ایجاد اعتماد از طریق شبکه‌های غیررسمی، مراعات متقابل بر اساس دوستی و روابط خانوادگی یا خویشاوندی نزدیک، یا پیوندهای فرهنگی و نیز خطر طرد شدن.

دوم: ایجاد اعتماد از طریق مجموعه‌ای رسمی از قواعد و مقررات حقوقی که نظارت به حسن اجرای آن‌ها را شخص ثالثی بر عهده دارد. نظارت شخص ثالث مستلزم در دست داشتن قدرت قضایی و اجرایی است.

سوم: ایجاد اعتماد از طریق ضوابط اخلاقی غیررسمی که پشتوانه تعهدی درونی برای پایبندی به آن ضوابط است. طبق عقاید معمول، این مورد مستلزم هنجار فرهنگی است که افراد با عمل به آن هویت را باز می‌یابند (گلباغ اسدی، ۱۳۸۷: ۴۸).

از مهم‌ترین ابزارهای اعتمادسازی می‌توان به رسانه اشاره کرد. نظریه کاشت یا پرورش جرج گربنر، برکنش متقابل میان رسانه و مخاطبانی که از آن رسانه استفاده می‌کنند و نیز بر چگونگی تأثیرگذاری رسانه‌ها بر مخاطبان تأکید دارد. فرض اساسی این نظریه این است که بین میزان مواجهه و استفاده از رسانه و واقعیت‌پنداری در محتوا و برنامه‌های آن رسانه ارتباط مستقیم وجود دارد؛ یعنی ساعت‌های متمادی مواجهه با رسانه‌ای خاص باعث ایجاد تغییر نگرش‌ها و دیدگاه‌های موافق با محتوای رسانه می‌شود. (عباسی قادی و خلیلی کاشانی: ۱۳۹۲، ۸۱)

سطوح اعتماد

گیدنز منابع اصلی اعتماد در جوامع امروزی و گذشته را متفاوت دانسته و با تقسیم‌بندی اعتماد به اعتماد فردی، بین فردی و تعمیم‌یافته موضوع اعتماد را بررسی کرده است. (گیدنز، ۱۳۸۷: ۴۴) اما پاتنام اعتماد را در سه سطح بین فردی، تعمیم‌یافته و نهادی بررسی نموده است. (فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۱۵۹) در سایر منابع نیز تقسیم‌بندی انواع اعتماد در حدود همین چهار نوع بوده است. در این مقاله بر اساس تعاریف مختلف و گوناگون اعتماد، سطوح اعتماد در دو سطح خرد (بنیادی و بین شخصی) و کلان (تعمیم‌یافته و نهادی) مورد بررسی قرار می‌گیرد.

اعتماد بنیادی (اعتماد به خود یا اعتماد به نفس): اعتماد بنیادی نگرشی نسبت به خود و دنیای اطراف است که بر رفتار و اعمال ما اثر می‌گذارد و این فکر را تقویت می‌کند که افراد و امور جهان قابل اعتمادند. این نوع نگرش روان‌شناختی است و در نظریات اریکسون ریشه دارد. از نظر اریکسون اولین مرحله رشد مرحله اعتماد در برابر بی‌اعتمادی است. در این مرحله، نوع رابطه با کودک می‌تواند اعتماد یا بی‌اعتمادی او را نسبت به محیط به وجود آورد که در دوره‌های بعدی زندگی ادامه پیدا می‌کند. (شارع پور و دیگران، ۱۳۸۹: ۲)

آدم‌های «بهنجار» در اوایل زندگی‌شان یک «مقدار» اعتماد اساسی به خوردشان داده می‌شود که این آسیب‌پذیری‌های وجودی را سرکوب یا کند می‌کند. یا به عبارت دیگر، آدم‌ها نوعی تلقیح عاطفی می‌شوند که آن‌ها را در برابر دلهره‌های وجودی که همه انسان‌ها به احتمال زیاد در معرض آن‌ها هستند، حفظ می‌کند. عامل این تلقیح شخصیتی است که مواظبت اساسی را در کودکی به عهده دارد. برای بیشتر آدم‌ها این شخصیت، مادر است. اعتماد به دیگران همواره با شکل‌گیری نوعی احساس درونی قابلیت اعتماد رشد می‌یابد، احساسی که پایه خودشناسی استوار را در دوران بعدی زندگی می‌سازد. پس اعتماد از همان آغاز بر نوعی تجربه دوسویه دلالت می‌کند. کودک یاد می‌گیرد که به توجه تأمین‌کنندگانش اتکا کند و این را نیز فرامی‌گیرد که نیازهایش را به گونه‌ای باید برآورده سازد که تأمین‌کنندگانش را خرسند سازد و آنان چشم‌داشت اعتمادپذیری یا قابلیت اعتماد در رفتارشان را دارد. (گیدنز، ۱۳۹۲: ۷۸ تا ۸۲)

ترجمه اعتماد بنیادی همان هسته امیدواری است و منشأ چیزی را تشکیل می‌دهد که آن را شهامت می‌نامند. اعتماد بنیادی در همان حال که تحت تأثیر توجهات محبت‌آمیز نخستین مراقبان و سرپرستان کودک تشکیل می‌شود، رفته‌رفته هویت فرد را به طرزی سرنوشت‌ساز به مهربانی و خوشامدهای دیگران وابسته کند. (بیات، ۱۳۸۸: ۱۱۲)

اعتماد بین شخصی: این نوع از اعتماد شامل اعتماد عاطفی (این اعتماد به اطمینان و علائق مشترک با اعضای خانواده مربوط بوده و اعتماد مبنا و شکل‌دهنده سایر روابط اعتمادی فرد با دیگران است)، اعتماد ارتباطی با خویشان (این اعتماد به سطح اطمینانی اطلاق می‌گردد که فرد به اقوام و خویشان خود دارد) و اعتماد ارتباطی با دوستان (این اعتماد به سطح اطمینانی اطلاق می‌گردد که فرد نسبت به دوستان خویش دارد) است. در همه فرهنگ‌ها، خانواده عامل اصلی اجتماعی شدن کودک در دوران طفولیت است. اجتماعی شدن فرایندی است که به وسیله آن از طریق تماس با انسان‌های دیگر، کودک ناتوان به تدریج به انسانی آگاه، دانا و ماهر در شیوه‌های رفتار به‌ویژه فرهنگ و محیط معینی تبدیل می‌شود (زین‌آبادی، ۱۳۸۷: ۳۶). هم‌چنین

یکی از جنبه‌های روابط اجتماعی، شرکت دادن دیگران در حل مسائل خصوصی است. در این میان نهاد خانواده همواره نقش اساسی را در این زمینه داشته است. به‌رغم تغییراتی که شکل خانواده در طول تاریخ داشته و پاره‌ای از وظایف خانواده به نهادها و مؤسسات خارج از آن منتقل شده، اما همانند گذشته کارکرد عاطفی خود را حفظ کرده است. پس از خانواده، گروه‌های خویشاوندی و دوستان هرکدام نقش مشابهی در این زمینه دارند. (سمیعی به نقل از کولی، ۱۳۸۷، ۹۷) از نظر زتومکا میان اعتماد بین شخصی و اعتماد اجتماعی تفاوت بنیادی و شدیدی وجود ندارد. در حقیقت این‌ها دوایر متحدالمرکزی از اعتماد را (به تعبیر فوکویاما شعاع‌های اعتماد) تشکیل می‌دهند که به تدریج از عینی‌ترین روابط بین شخصی به سمت روابط انتزاعی‌تری که معطوف به موضوعات اجتماعی هستند، بسط پیدا می‌کنند. (زتومکا، ۱۳۹۰: ۷۷ و ۷۸)

اعتماد تعمیم‌یافته (اعتماد عمومی): در دنیای معاصر دامنه کنش‌های اجتماعی از حد دوستان و آشنایان فراتر رفته و به تعامل با کنشگران ناآشنا تعمیم‌یافته است. افزون بر این، در شرایط کنونی افراد ناچارند به اشخاصی که نمی‌شناسند یا به ساختارهای غیرشخصی اعتماد کنند. به همین دلیل اعتماد انتزاعی و تعمیم‌یافته در جامعه جدید به‌طور خاص اهمیت پیدا کرده است؛ اما در جوامع در حال توسعه، به‌ویژه ایران مشکلاتی در این زمینه وجود دارد. دایره اعتماد در این جوامع هنوز در محدوده اقوام، خویشان، دوستان و آشنایان خلاصه می‌شود. در این جوامع انواع جدید اعتماد یعنی اعتماد تعمیم‌یافته و انتزاعی که لازمه تقویت هویت ملی و استحکام یک کشور است هنوز جایگاه محکمی نیافته است. (معیدفر و جهانگیری، ۱۳۸۸: ۴۷)

اهمیت اعتماد تعمیم‌یافته در سطح وسیعی در ادبیات علوم اجتماعی موردپذیرش قرار گرفته است. اعتماد تعمیم‌یافته برای این اهمیت دارد که با برخی از متغیرهای اجتماعی رابطه دارد که برای بیشتر مردم مطلوب است.

می‌یر در مدل خود موارد زیر را به‌عنوان متغیرهای مؤثر بر اعتماد عمومی نام برده است:

صداقت: درستی، پاکی و دارای حقیقت بودن.

شایستگی: داشتن مهارت و دانش در زمینه‌های فنی و روابط انسانی.

وفاداری: حفظ آبرو و حیثیت دیگران و توجه به منابع عمومی. (موحد و دیگران، ۱۳۹۱: ۸۵)

در این میان تشکیلات داوطلبانه نیز از سوی بسیاری به‌عنوان بخشی از اعتماد تعمیم‌یافته محسوب می‌شود. تشکیلات داوطلبانه نوعی از نهادهای اجتماعی هستند که با خانواده، کار و دولت فرق دارند. ما در خانواده‌ها متولد می‌شویم، از دولت گریزی نداریم و اغلب ما باید کارکنیم؛ اما تشکیلات داوطلبانه، کلوپ‌ها، انجمن‌های واسطه و گروه‌های اجتماعی فعالیت‌های

داوطلبانه و همکاری‌هایی هستند که ما در آن‌ها شرکت می‌کنیم. عضویت در انجمن‌های داوطلبانه درک اجتماعی و اعتماد را به مردم آموزش می‌دهند. این انجمن‌ها، به گردآوردن تیپ‌های اجتماعی گوناگون به افراد کمک می‌کنند که دیگران را درک و با آن‌ها همدلی کنند و هنر همکاری و توانایی رابطه با تیپ‌های اجتماعی گوناگون و مشارکت را آموزش می‌دهند. در سطح اجتماعی، تشکلهای داوطلبانه پیوندهای مشترک و شبکه‌های اجتماعی تولید می‌کنند که کل جامعه را به هم پیوند می‌زند. این انجمن‌ها در شهروندان احساس امنیتی که حاصل تعلق داشتن به یک گروه است را ایجاد می‌کنند. خلاصه اینکه، تشکلهای داوطلبانه تولیدکننده پیوندها و یکپارچگی اجتماعی و همچنین پایه‌های جامعه مدنی هستند (زارعی، ۱۳۸۷: ۷۲).

اعتماد نهادی: اعتماد نهادی، حالت انتزاعی اعتماد به نهادها و سازمان‌ها است. نهادها و سازمان‌هایی مانند مدرسه، نیروهای مسلح، دانشگاه، دادگاه، نیروی انتظامی، رسانه و مانند آن. میزان اعتمادی که مردم به نهادهای گوناگون دارند، در میان جوامع متفاوت است و در گذر زمان دستخوش تغییر می‌شود. همچنین، نوعی از اعتماد به نهادها وجود دارد که اعتماد رویه‌ای نامیده می‌شود. اعتمادی که در اعمال یا رویه‌های نهادی شده بر مبنای این اعتقاد وجود دارد که اگر از این رویه‌ها و اعمال پیروی شود، بهترین نتایج حاصل خواهد شد؛ مانند اعتماد به شیوه‌های مردم‌سالارانه (انتخابات، نمایندگی و...) به‌عنوان بهترین شیوه برای تأمین منافع بزرگ‌ترین بخش از جمعیت و کسب مستدل‌ترین توافقات در میان منافع متعارض، یا اعتماد به‌درستی فرایندهای قانونی به‌عنوان بهترین ابزار رسیدن به داوری موجه و عادلانه. البته بی‌اعتمادی نیز ممکن است معطوف به چنین رویه‌هایی شود؛ مانند واگذاری امتیازات دولتی به مؤسسات صنعتی که متضمن بی‌اعتمادی است؛ زیرا بروز فساد مالی را تسهیل می‌کند. (زتومکا، ۱۳۹۰: ۸۲) از نظر زتومکا، اعتماد به نهادها و سازمان‌ها از انتزاعی‌ترین اعتمادها است. او میزان اعتماد به نهادها را در جوامع گوناگون و در یک جامعه در طول زمان متفاوت می‌داند. سپس، بین امنیت وجودی و نظام اجتماعی رابطه برقرار می‌کند. او معتقد است هنگامی که از امنیت وجودی سخن می‌گوییم، اعتماد به‌نظام را در ذهن داریم که نشان‌دهنده قابلیت اجرایی نظام اجتماعی، قدرت و دوام جامعه، کارآمدی رژیم اقتصادی یا سیاسی و نظایر آن است. به نظر زتومکا این نوع اعتماد یعنی اعتماد به نظام کلی، به مفهوم مشروعیت نزدیک است. (همان، ۸۵ تا ۸۹)

امنیت اجتماعی: امنیت اجتماعی در مطالعات امنیتی و ازجمله در مکتب کپنهاگ یکی از ابعاد پنج‌گانه امنیت ملی است و مرجع خویش را هویت گروه‌های اجتماعی بزرگ در جامعه می‌داند.

(بوزان، ۱۳۹۰: ۳۴) محسن مرادیان در کتاب مبانی نظری امنیت به تعاریفی از ویور، بوزان و مولار از امنیت پرداخته و پرسش اساسی در این حوزه را با عنوان امنیت برای چه کسی و توسط چه کسی مطرح می‌کند. وی در پاسخ به سؤال امنیت برای چه کسی (مرجع امنیت) آن را جامعه در نظر گرفته و تهدیدات هویتی را منبع اساسی ناامنی می‌داند. پیوستگی و اتحاد میان اعضای جامعه نیز اولین ابزار تحقق امنیت در نظر گرفته می‌شود. (مرادیان، ۱۳۹۰: ۲۷). از نظر وی امنیت اجتماعی دارای مرز مفهومی بسیار سیالی است که فهم و کاربرد آن را دشوار می‌کند. از دید بوزان، ویور و دیگرانی که در مکتب کپنهاگ به پژوهش می‌پردازند نقطه آغازین و تعیین‌کننده برای تغییر ساختار بررسی‌های امنیت تمایز قائل شدن میان دولت و جامعه است. به گفته آن‌ها بررسی‌های امنیتی باید دوگانگی امنیت را درک کند: اینکه امنیت از امنیت دولت که به حاکمیت بازمی‌گردد و امنیت اجتماعی که با هویت سروکار دارد تشکیل می‌شود. امنیت اجتماعی، ریشه‌ها، ساختارها و پوشش‌های شکل‌گیری هویت جمعی و رابطه میان هویت و منافع را در نظر می‌گیرد. (کراوس و ویلیامز، ۱۳۹۱: ۹۹)

هویت و سطوح آن

در فرهنگ فارسی معین هویت به ترتیب زیر تعریف شده است: هستی، وجود، آنچه موجب شناسایی شخص باشد. هویت عبارت از حقیقت جزئیه است؛ یعنی هرگاه ماهیت با تشخیص لحاظ و اعتبار گردد، هویت گویند. گاه هویت به معنای وجود خارجی است و مراد از آن تشخیص است. (معین، ۱۳۸۲: ۳۶۱۴) برخی نگرش‌ها هویت را امری ثابت، ازلی و غیرقابل تغییر می‌شمارند که هم‌زمان با تولد آدمی پدید می‌آید و با مرگ او به پایان می‌رسد؛ در این برداشت، آدمی وارث و نگهبان هویت خود شمرده می‌شود. در برخی دیگر از نگرش‌ها نیز، آدمی مقهور هویت ازلی خود نیست؛ بلکه می‌تواند به اقتضای تشخیص مصلحت خود نسبت به تثبیت، تصحیح و تغییر هویت خود اقدام کند؛ اما در نگرش سوم (نگرش سازه‌انگارانه)، هویت نه متصلب و ازلی است و نه سیال و نسبی؛ یعنی هویت سازه‌انگارانه هم حامل مایه‌های ثابت و هم پذیرای معناها و اشکال پویاست. در این معنا، هویت بازیگران همواره در حال بازتعریف است و سخن گفتن از هویتی مفروض، غیرممکن است. (نصری، ۱۳۸۵: ۷۲۱) نگاهی که در این مقاله به بحث هویت وجود دارد، مطابق با نگرش سوم است. چنانچه جرج هربرت‌مید، خود را به «من فردی» و «من اجتماعی» تقسیم می‌کند و من اجتماعی را انعکاس و بروز هنجارهای اجتماعی در فرد دانسته و من فردی را معرف جنبه شخصی و منحصر به فرد شخص می‌داند (کوئن، ۱۳۹۱: ۹۵)

لذا با توجه به این مطلب و کنکاش محقق در سایر منابع، سطوح هویت در دو سطح فردی (رویکرد روانشناسی) و اجتماعی (رویکرد جامعه‌شناسی) مورد بررسی قرار گرفته است.

هویت فردی (شخصی): فضای فردی حوزه‌ای از مسائل و موضوعات را شامل می‌شود که از حیث منطقی شخص بنیاد بوده و با عنوان خصوصی از آن تعبیر می‌شود (افتخاری، ۱۳۹۲: ۴۲۷). با تکیه بر این فضای فردی تعبیر از هویت شخصی را می‌توان با تعاریف متنوعی تعریف کرد. هویت شخصی هر فرد عبارت است از برداشتی که خود او از زندگی‌اش دارد. این برداشت در شکل روایتی است که از گذشته فرد آغاز شده و تا چشم‌اندازی از آینده او ادامه می‌یابد. بدین ترتیب، هویت داستانی است پویا که هر فردی، برای معنی بخشیدن به زندگی‌اش، در ذهن خود ایجاد می‌کند. (ویکی‌پدیا)

در هویت فردی تأکید بر تفاوت است؛ یعنی ویژگی‌هایی که فرد را از دیگران جدا و متمایز می‌کند. فرد دارای اهداف، منافع، مصالحی خاص ناشی از پندارهای خویش است. این پندارها شامل حوزه‌های روابط میان فردی و اعتقادات مذهبی و نگرش نسبت به خود است (ابوالحسنی به نقل از نوایی نژاد، ۱۳۸۸: ۲۹). از دیدگاه اسلام موضوعاتی که در دین و آموزه‌های دینی با عناوینی همچون خودشناسی، خداشناسی، معرفت نفس، خودیابی و... آورده شده‌اند، همگی به‌نوعی با مسئله هویت و هویت فردی در ارتباط هستند. رسالت انبیاء و اولیای الهی به گونه‌ای برای تحقق هویت انسانی و تعلیم و تربیت انسان‌ها است. دعوت انبیاء به بندگی خدا و ربانی شدن است؛ زیرا بندگی خدا راه اتصاف به کمالات الهی است. اگر انسان حقیقت وجود خویش را فراموش کند به بیراهه می‌رود و مقاصدی را دنبال می‌کند که با حقیقت وجودی‌اش سازگار نیست و قدم در راه‌هایی می‌گذارد که او را به مقصد کمال نمی‌رساند و سبب تباهی انسان می‌شود. خودفراموشی معلول خدافراموشی است. بدین معنا که خدایابی مقدم بر خودیابی است. تا توجه به خدا پیدا نشود، حقیقت نفس شناخته نخواهد شد (بخشایش و رضایی مقدم، ۱۳۹۰: ۱۲۱). خداوند می‌فرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ** (مائده: ۱۰۵) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بر شما باد نفس‌هایتان. خودشناسی یکی از ویژگی‌های مهم هویت انسان است. اساساً رشد هویت در انسان بدون رشد خودآگاهی امکان‌پذیر نیست. انسان باید جهان درون خود را به کمک عقل کشف کرده و به آن آگاهی یابد.

«هویت» معمولاً در نگرش‌ها و احساسات افراد نمود می‌یابد. ولی بستر شکل‌گیری آن زندگی جمعی است. از دیدگاه جرج هربرتمید، هر فرد، هویت یا خویشتن خود را از طریق سازمان‌دهی نگرش‌های فردی دیگران در قالب نگرش‌های سازمان‌یافته اجتماعی یا گروهی شکل می‌دهد

به بیان دیگر، تصویری که فرد از خود می‌سازد و احساسی که نسبت به خود پیدا می‌کند، بازتاب نگرشی است که دیگران نسبت به او دارند (غفورزاده، ۱۳۹۰: ۱۷۵).

آداب و رسوم

منظور از آداب، سنت‌ها و رسوم عبارت است از قواعد و الگوهای رفتاری که طی تاریخ و نسل‌های قبل اعتبار یافته و به صورت یک فرهنگ درآمده است. اعتبار سنن به عمق تاریخی آن‌ها و میزان نفوذ آن درون فکر و عمل جامعه است. به گونه‌ای که می‌توان از آن به عنوان منبع نیرومندی در ساماندهی پدیده‌های حوزه جمعی یادکرد (افتخاری، ۱۳۹۲: ۴۶۴).

آداب و رسوم به این دلیل جزو مؤلفه‌های فردی هویت شناخته می‌شود که یک الگوی رفتاری بوده و سبک زندگی ما بر پایه آن شکل می‌گیرد و تصرف در سبک زندگی گرچه تحت تأثیر محیط عمومی است، لیکن انتخاب سبک زندگی امری فردی است. هم‌چنین، در بررسی محقق از بیانات حضرت امام خامنه‌ای و برخی متفکرین داخلی، عرف و آداب و رسوم به عنوان فرهنگ شناخته شده است: فرهنگ، یعنی همین آداب و رسومی که بر زندگی من و شما حاکم است. فرهنگ، یعنی باورها و اعتقادات ما و چیزهایی که زندگی شخصی و اجتماعی و داخل خانه و محیط کسب یک جامعه با آن‌ها روبه‌روست. جمهوری اسلامی فرهنگ غربی را رد کرد و گفت ما فرهنگ مستقل اسلامی داریم. اسلام، تکلیف مسلمانان را در معاشرت، در کیفیت زندگی فردی، در خورد و خوراک، در لباس پوشیدن، در روابط با حکومت، در روابط با یکدیگر و در معاملاتشان معین کرده است... الزام و اجبار مردم به روش‌های گوناگون زندگی تا آنجایی که با فرهنگ غربی منافات نداشته باشد، برای غربی‌ها مجاز است و هیچ ایرادی ندارد. (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه مورخه ۶۹/۰۱/۱۰)

آزاد ارمکی در کتاب جامعه‌شناسی فرهنگ به تغییرات در آداب و رسوم ملی اشاره دارد. وی تغییر مد و تغییر الگوی مصرف غذایی را به عنوان دو شاخصه تغییر آداب و تغییر فرهنگ جامعه نام می‌برد. از نظر وی تغییر مد همان تغییر غیرمتمرکز جنبه‌های فرهنگی زندگی است و از یک تنش اساسی در وضعیت اجتماعی انسان‌ها ناشی می‌شود. در واقع مد هیچ‌گاه به وجود نمی‌آید مگر آنکه از ریشه خاصی در جامعه نشئت بگیرد که آن در مبانی فلسفی جامعه وجود داشته و به لایه‌های زیرین جامعه برمی‌گردد. هم‌چنین تغییر سنت‌های گذشته و شیوه‌های جدید زندگی به تغییر الگوی مصرف مواد غذایی از غذاهای سنتی به غذاهای زودآما انجامیده است (آزاد ارمکی، ۱۳۹۳: ۲۴۹ و ۲۵۰).

حضرت امام خامنه‌ای با اشاره به تمدن‌سازی نوین اسلامی، بخش اساسی تمدن را سبک زندگی بیان نموده و اشاره می‌نمایند: ما اگر پیشرفت همه‌جانبه را به معنای تمدن‌سازی نوین اسلامی

بگیریم. این تمدن نوین دو بخش دارد: یکی بخش ابزاری است؛ یک بخش دیگر، بخش متنی و حقیقی و اساسی است... بخش حقیقی، آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد؛ که همان سبک زندگی است. مثل مسئله خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات و ...؛ که متن زندگی انسان است (۹۱/۰۷/۲۳) بیانات در جمع جوانان و نخبگان بجنورد).

دین و مذهب

معنای انگلیسی مذهب برگرفته از رلیج^۱ به معنای پیوند روابط اجتماعی در میان افراد است. اصطلاح سوسیولوژی برگرفته از سوسیوس^۲، به معنای پیوند رفاقتی است که بنیان جامعه را می‌نهد. دورکیم مذهب را مجموعه‌ای از باورها و اعمال مربوط به مقدسات تعریف نموده است که به‌رغم فردی بودن، میان افراد پیوندهای اجتماعی می‌آفریند. وی جامعه‌شناسی را به‌طور عام و جامعه‌شناسی مذهب را به‌طور خاص به فرایندهایی که روابط اجتماعی را در زمان و مکان وصل می‌کنند یا فصل می‌کنند، پیوند می‌دهند یا پیوندها را قطع می‌کنند نامیده است. (تامپسون به نقل از ترنر، ۱۳۹۲: ۱۹۲) دورکیم مذهب را نظامی از عقاید فردی می‌داند که افراد با آن جامعه‌ای را که عضو آن‌اند، به همراه روابط صمیمانه و مبهمی که با آن دارند، بر خود آشکار می‌کنند. (تامپسون به نقل از دورکیم، ۱۳۹۲: ۲۶)

کارکردهای دین در جامعه عبارت‌اند از:

- دین برای انسان حمایت و تسلی به بار آورده و از این طریق ارزش‌ها و هدف‌های تثبیت‌شده را پشتیبانی می‌کند.
- دین از طریق آیین‌ها و مراسم امنیت عاطفی و هویت و نقطه اتکای ثابتی در بحبوحه ناسازگاری‌های آرا و عقاید برای انسان به بار می‌آورد.
- دین به انسان در شناخت خود کمک می‌کند و باعث می‌شود او احساس هویت فردی کند.
- دین در فرایند رشد انسان بسیار مهم است؛ زیرا به افراد در بحران‌های زندگی و مقاطع گذار از یک وضعیت به وضعیت دیگر کمک می‌کند و در نتیجه بخشی از فرایند اجتماعی شدن به حساب می‌آید (همیلتون، ۱۳۹۲: ۲۱۰).

یکی از دغدغه‌های محقق در این پژوهش عبارت است از اینکه آیا دین بخشی از هویت فردی محسوب می‌گردد یا هویت گروهی؟

1. religio
2. socios

بیشتر جامعه‌شناسان نقش دین را در ایجاد هویت بسیار مهم دانسته‌اند و همه به‌نوعی ارزش‌های دینی و اخلاقی را بر هویت فردی و اجتماعی مؤثر می‌دانند. گیدنز می‌گوید: دین برای مؤمنان محیطی از امنیت ارائه می‌کند. هم از طریق نیروهای مذهبی که حمایت‌های قابل‌اتکای مثبتی برای مؤمنان فراهم می‌کند و هم کارگزاران مذهبی که در موقعیت‌ها و رویدادها به مردم اعتماد تزریق می‌کنند. گیدنز همچنین معتقد است ادیان این بینش را دارند که اعتماد فردی باید تبدیل به یک ایمان همگانی شود و بی‌اعتمادی باید شری همگانی تلقی گردد. (مستوفی به نقل از گیدنز، ۱۳۸۹: ۵۴) اریکسون هم معتقد است ایمانی که پیش‌فرض اعتماد است حفاظت نهادی‌اش را از مذهب سازمان‌یافته‌ای دارد. (همان، ۵۵)

این‌یک واقعیت است که ساختار هویتی هر فرد از مذهب تأثیر می‌پذیرد. عقاید مذهبی، با معرفی هدف‌نهایی آفرینش و پاسخ به سؤالات وجودی فرد، نقش چشمگیری در تشکیل هویت ایفا می‌کند. بسیاری از محققان بر این موضوع صحنه گذاشته‌اند که معنویت و مذهب به‌طور نزدیکی با هویت پیوند یافته‌اند. در دوره نوجوانی هم‌زمان با سایر تغییر و تحولات بدنی و روانی، رشد و تحول مذهبی و معنوی نیز صورت می‌گیرد. این رشد و تحول ممکن است شامل تجارب دینی جدید، درکی تازه از باورها یا تجارب مذهبی قبلی، احساس معنا و هدف‌داری بیشتر در زندگی یا آگاهی افزون‌تر از نقش خداوند در زندگی روزمره شود (برجعی و دیگران، ۱۳۹۲: ۹۹). مذهب، جهان‌بینی و هنجارهای اجتماعی و ارتباطات را ارائه می‌دهد. این امر تشکیل مفهوم خود شخصی فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به اعتقاد برخی پژوهشگران، مذهب با تأثیر بر سبک زندگی و چگونگی حل تعارض‌های ارزشی، به دو سؤال اساسی انسان درباره هدف زندگی و معنای فعالیت‌ها و استعدادها پاسخ می‌دهد. (جان‌بزرگی، ۱۳۸۶: ۳۴۵) مذهب با ارائه تعریف روشنی از هدف زندگی، ایجاد معنا برای تمامی فعالیت‌ها و تجربه‌های روزانه، چگونگی کاربرد راهبردهای مقابله‌ای و سرانجام با ارائه الگوهای مناسب برای همانندسازی، بر ساختار هویت فردی اثر می‌گذارد. همان‌گونه که وبستر بیان می‌کند بسیاری از دریافت‌های فردی از هویت شخصی، به‌واسطه ارزش‌های فرد و استدلال‌های او برای داشتن این ارزش‌ها ایجاد می‌شوند (نجفی و همکاران: ۱۳۸۵، ۲۰).

الگوهای مشترک زبانی: زبان وسیله اندیشیدن و برقراری ارتباط با دیگران است. اگر همگرایی در جامعه انسانی مولود وجود ارتباط متناسب و متعامل و هدفمند افراد جامعه با یکدیگر است، بدون وجود زبان مشترک وجود چنین ارتباطی عملاً غیرممکن می‌شود. از این‌رو، همواره بین قدرت ملی و زبان ملی یک رابطه متقابل و متعامل وجود

دارد و تقویت یکی موجب تقویت دیگری و تضعیف یکی موجب تضعیف دیگری می‌شود. از این رو، همواره امپراتوری‌های بزرگ کوشیده‌اند دامنه نفوذ زبان ملی خود را توسعه دهند. (زورق، ۱۳۹۱: ۱۹۵) به تعبیر حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر بزرگوار انقلاب اسلامی ایران، زبان فارسی یک میراث عظیم و باشکوه و بسیار ارزشمند و مایه سربلندی و از گنجینه‌های عظیم مواریث فرهنگی و در واقع همه‌چیز ماست و رمز هویت ملی ماست. (بیانات در مورخه ۱۳۸۷/۰۲/۱۱ khamenei.ir)

هویت اجتماعی: هویت جمعی در معنی همسانی با دیگران، پیوستگی و عضویت افراد در گروه‌ها و مقوله‌ها ارتباط دارد. بدین معنی که در این رویکرد، افراد بر اساس شباهت‌ها و همسانی‌هایشان با یکدیگر در مقوله‌هایی دسته‌بندی می‌شوند. این همسانی‌ها معمولاً در شکل سهیم بودن در پایگاه نقش خود را نشان می‌دهد (ابوالحسنی، ۱۳۸۸: ۳۰). گیدنز از هویت اجتماعی به عنوان خودآگاهی عملی یاد نموده و علت احترام به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را چنین توضیح می‌دهد: خودآگاهی عملی لنگر عاطفی و شناختی احساس امنیت وجودی است که در تمام فرهنگ‌ها خصیصه عمده بخشی وسیع از فعالیت‌های انسانی را تشکیل می‌دهد. اتفاقی که می‌افتد آن است که به مجرد تخطی فرد از قراردادهای اجتماعی مرسوم نوعی جریان سیل‌آسای اضطراب و تشویش فرد را در خود می‌گیرد. سلیلی که در شرایط عادی زندگی روزمره به طرزی اطمینان‌بخش در پشت سد نیرومند قراردادهای اجتماعی رایج مهار می‌شود. اغتشاش و هرج و مرج تهدیدکننده‌ای را که در آن سوی قراردادهای اجتماعی روزمره به چشم می‌خورد، می‌توان از دیدگاه روانشناسی هول نامید. «هول» عبارت است از تصور یا احتمال غرق شدن در اضطراب‌هایی که حتی ریشه‌های مفهوم منسجم «بودن در دنیا» را هم سست می‌کنند. خودآگاهی عملی، همراه با عملیات روزمره‌ای که مدام تولید و بازتولید می‌شوند، این‌گونه اضطراب‌ها را در پس پرده نگاه می‌دارد، آن‌هم نه فقط به دلیل ثبات اجتماعی مورد نیاز عملیات جاری روزانه، یا حتی به دلیل اولویت آن‌ها، بلکه به دلیل نقش سازنده آن‌ها در ساماندهی نوعی محیط «مفروض» برای مباحث وجودی (گیدنز، ۱۳۹۳، ۶۰-۶۲). در این مقاله با عنایت به موارد مطرح‌شده در مورد هویت اجتماعی مؤلفه‌های هویت گروهی، هنجارهای مشترک اجتماعی و ارزش‌های مشترک اجتماعی تعیین‌شده است؛ چراکه با عنایت به تعریفی که از تهدید نرم ارائه شده است، هدف اصلی در تهدید نرم هنجارها و ارزش‌های

مشترک جامعه است. تهدید نرم هرگونه اقدام غیر خشونت‌آمیز است که ارزش‌ها و هنجارها را مورد هجوم قرار داده و در حد نهایی منجر به تغییر در الگو رفتاری و خلق الگوهای جدید می‌شود که با الگوهای رفتارهای نظام حاکم تعارض داشته باشد (جهان‌بین و امامی، ۱۳۹۳: ۵۴).

ارزش‌های مشترک اجتماعی: ارزش در اصطلاح دانش جامعه‌شناسی، عقایدی است که افراد یا گروه‌های انسانی درباره آنچه مطلوب، مناسب، خوب یا بد است دارند. ارزش‌های مختلف نمایانگر جنبه‌های اساسی تنوعات در فرهنگ انسانی است. به‌طور کلی به اموری که برای اعضاء گروه اهمیت دارند و آرمان مشترک اعضاء گروه تلقی می‌شوند، ارزش می‌گویند. ارزش به‌صورتی دوگانه درواقعیت وجود دارد: نخست به‌منزله آرمانی متجلی می‌شود که خواستار پیوستگی است و دعوت به احترام می‌کند. دوم در اشیاء یا رفتارهایی جلوه‌گر می‌شود که آن را به شیوه‌ای عینی یا دقیقاً به شیوه سمبلیک بیان می‌کند. (ویکی‌پدیا)

ارزش‌های مشترک از عوامل قوام هر کشور هستند. امروزه اکثر نظام‌های سیاسی در کنار دیگر عوامل گسترش و حفظ ارزش‌های دلخواه خود را جزء اهداف و منافع ملی به شمار می‌آورند. با چنین برداشتی، عواملی که به تضعیف یا نابودی این ارزش‌ها و فرهنگ مشترک می‌انجامد، باید جزء تهدیدات اجتماعی و فرهنگی امنیت ملی تلقی شوند. خصیصه‌ای که این تهدیدات را از دیگر تهدیدات امنیت ملی متمایز می‌کند، تداوم و فراگیری آن است. به‌بیان دیگر تهدیدات اجتماعی و فرهنگی هنگامی به‌عنوان تهدید علیه امنیت ملی به شمار می‌رود که به جریانی فراگیر و مداوم تبدیل‌شده باشند (مرادیان، ۱۳۸۸: ۲۴۷)؛ بنابراین می‌توان گفت ارزش‌های اجتماعی مقاصد و هدف‌های مطلوبی هستند که افراد جامعه برای دستیابی به آن‌ها فعالیت می‌کنند تا به این وسیله نیازها و خواسته‌های خود را برآورده سازند. هم‌چنین یکی از ابزارها و وسایلی هستند که جامعه از آن برای نظم اجتماعی سود می‌برد؛ زیرا وجود ارزش‌های اجتماعی در جامعه و کوشش افراد برای دستیابی به آن‌ها باعث فعالیت افراد و موجب شکل‌گیری ایده‌آل‌ها و آرمان‌ها می‌شود. این جریان برای هر جامعه‌ای حیاتی و ضروری است. از نظر امام خامنه‌ای وجود آرمان جهت زندگی اجتماعی لازم است. ایشان آرمان را رسیدن به کمال و از ملزومات ترسیم آینده کشور می‌دانند: بدون آرمان، نه می‌شود درست زندگی کرد و نه تلاش انسان منضبط خواهد بود. باید آرمان و خط روشن و افق واضحی در مقابل وجود داشته باشد که به انسان جهت بدهد (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با دانشجویان استان کرمان، مورخه ۸۴/۰۲/۱۹).

هنجارهای مشترک اجتماعی: هنجار در اصطلاح جامعه‌شناسی به یک الگوی رفتاری گفته می‌شود که روابط و کنش‌های اجتماعی را تنظیم می‌کند. بیشتر جامعه خود را به آن پایبند می‌دانند و در صورتی که شخصی آن را رعایت نکند، جامعه او را مجازات می‌کند. (ویکی‌پدیا)

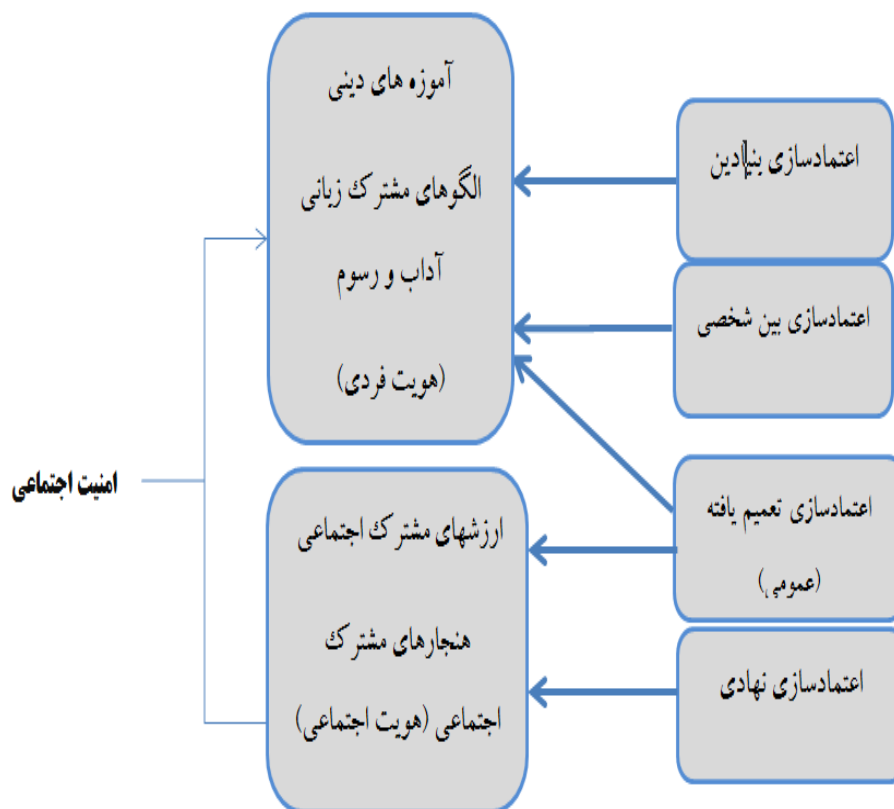
هنجار واژه‌ای است که برای کلمه (norm) به کار برده می‌شود. در جامعه‌شناسی (norm) به معنای مقیاس برای رفتار و نیز تنظیم روابطی که اغلب از آن پیروی می‌کنند و عدم رعایت از آن مجازات در پی دارد، است. هنجار در فرهنگ عمید به معنی راه، روش، راه راست و ... است. هم‌چنین در فرهنگ معین نیز واژه هنجار به معنای قانون، روش، رفتار آمده است. هنجار قاعده‌ای رفتاری است که مشخص می‌کند مردم در شرایط معینی چگونه رفتاری باید داشته باشند. فایده این استاندارد رفتاری آن است که به بقای الگوهای روابط اجتماعی کمک می‌کند. (Bornamodares.blogfa.com)

هنجارها کارکرد یگانگی نظام‌های اجتماعی را بر عهده دارند و به «الگوهای استاندارد شده رفتار و کردار» گفته می‌شوند؛ زیرا آن‌ها راهنمای آشکاری هستند که به مردم یک جامعه می‌گویند در هر شرایطی چه رفتاری را باید داشته باشند؛ بنابراین می‌توان گفت میزان عظیمی از کنش‌های متقابل و مهم اجتماعی به وسیله هنجارها هدایت می‌شوند. (صارمی، ۱۳۸۰: ۹۷-۹۵)

اگر افراد جامعه ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی را بپذیرند، در این صورت نظام اجتماعی دارای استحکام خاصی می‌شود. نکته‌ای که در مورد هنجارها می‌توان اشاره کرد، هنجارهای داخلی و فراملی است. گاه ممکن است غلبه هنجارهای فراملی در مورد کشوری صدق کند و گاه نیز هنجارهای اجتماعی. برای نمونه به هنجارهای غالب بین‌المللی اشاره می‌شود که در پوشش حقوق بشر و در نهان لیبرالیسم غربی بر هنجارهای داخلی حاکم می‌شود. در هر حال به میزان قوت هر یک از هنجارهای داخلی و بین‌المللی، یکی بر دیگری مسلط می‌شود؛ اما زمانی که هر دو هنجار در وضعیتی یکسان قرار گیرند و یا تضادی میان آن دو ایجاد شود، این امر به صورت یک بحران متبلور می‌گردد. (احمدی مقدم به نقل از فلاحی، ۱۳۸۹: ۱۸۶)

در سال‌های اخیر غلبه هنجارهای فراملی به علت افزایش روزافزون سهم رسانه‌هایی که در اختیار حاکمیت نیست افزایش یافته و این وضعیت به تغییر هنجارها در میان مردم کشور و طبقه متوسط اجتماعی (به‌ویژه در شهرهای بزرگ از جمله تهران) گردیده است؛ مسئله‌ای که از آن به عنوان تهاجم فرهنگی غرب یاد می‌شود. این غلبه هنجارهای فراملی، موجب تأثیرگذاری بر هنجارهای مشترک اجتماعی از طریق ترویج هویت غربی و جهانی‌سازی گردیده است.

مدل مفهومی پژوهش:



شکل شماره ۱- مدل مفهومی تحقیق

فرایند اجرای پژوهش

بر اساس مشورت مقدماتی با اساتادان و تعدادی از خبرگان، جمعیت جامعه آماری حدود ۱۲۰ نفر تعیین که با استفاده از فرمول کوکران جامعه نمونه ۷۹ نفر برآورد شد. این تعداد به روش هدفمند غیر نسبتی در دسترس از میان جامعه آماری انتخاب شد. روش گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و مطالعه اسناد و مدارک مختلف (در کتب، مجلات، روزنامه‌ها و نیز استفاده از اینترنت) و روش میدانی بوده و ابزار گردآوری داده‌ها، پرسش‌نامه محقق ساخته و نیز مصاحبه رسمی بوده است. محقق پس از جمع‌آوری اطلاعات به کمک جداول و نمودارهای متناسب و همچنین با استفاده از روش‌های تجزیه و تحلیل آمار و شاخص‌های مختلف (مرکزی، پراکندگی و...) نسبت به تجزیه و تحلیل اطلاعات و داده‌های جمع‌آوری شده اقدام و درنهایت برای تأیید مراحل تجزیه و تحلیل توصیفی اطلاعات مبادرت به آزمون فرض‌ها با استفاده از آمار استنباطی

(از طریق نرم افزارهای اکسل و اس پی اس اس) و روش های تحلیل کیفی (تحلیل سامانمند) نمود. برای تعیین روایی پرسش نامه در این مقاله پرسش نامه اولیه در میان ۱۱ نفر از مدرسین دانشکده فارابی جهت اظهار نظر توزیع و نظرات آن ها از نظر فرم (محتوای سؤالات)، نحوه نگارش در پرسش نامه نهایی لحاظ شد. همچنین برای تعیین پایایی پرسش نامه نیز از روش آلفای کرونباخ (مقدار آلفا: ۰.۷۱) استفاده شده است. پرسش نامه این تحقیق مشتمل بر ۵۲ سؤال (شش سؤال عمومی و ۴۶ سؤال در مورد متغیرهای تحقیق) تنظیم و پس از تکمیل توسط جامعه نمونه مورد توصیف قرار می گیرد.

یافته های توصیفی

جامعه آماری تحقیق، اساتید دانشگاه و دانشجویان دکترا در دانشگاه عالی دفاع ملی و دانشکده علوم و فنون فارابی و با موضوعات مرتبط با امنیت اجتماعی (۲۶ نفر)، کلیه کارشناسان گروه های اجتماعی در شبکه های تلویزیونی رسانه ملی (۲۳ نفر)، کلیه کارشناسان اداره کل امور اجتماعی استانداری تهران (۱۸ نفر) و کارکنان معاونت اجتماعی ناجا در تهران (۱۲ نفر) و دست کم دارای ۱۰ سال سابقه خدمت مرتبط هستند. تعداد ۱۲ نفر (۱۵/۲ درصد) دارای میزان تحصیلات دکترا، ۳۵ نفر (۴۴/۳ درصد) فوق لیسانس و ۳۲ نفر (۴۰/۵ درصد) دارای مدرک لیسانس بوده اند. از میان اعضای جامعه نمونه تعداد ۲۰ نفر (۲۵ درصد) زن و ۵۹ نفر (۷۵ درصد) مرد بوده اند.

یافته های استنباطی

جمع بندی سؤالات تأثیر اعتماد سازی بر هویت فردی (فرضیه اول):

جمع بندی نهایی سؤالات ۱ تا ۲۶ پرسش نامه (مربوط به فرضیه اول) به شرح زیر و میانگین عددی این بخش ۳.۵۶ است.

آزمون استنباطی فرضیه اول:

• مرحله اول - تبدیل فرضیه پژوهشی به فرضیه آماری:

اعتماد سازی از طریق تأثیر بر الگوهای مشترک زبانی، مذهب، آداب و رسوم در امنیت اجتماعی شهر تهران نقشی ندارد.

نقیض ادعا = H_0

اعتماد سازی از طریق تأثیر بر الگوهای مشترک زبانی، مذهب، آداب و رسوم در امنیت اجتماعی شهر تهران نقش ایفا می کند.

ادعا = H_1

• مرحله دوم - تعیین آماره آزمون فرضیه:

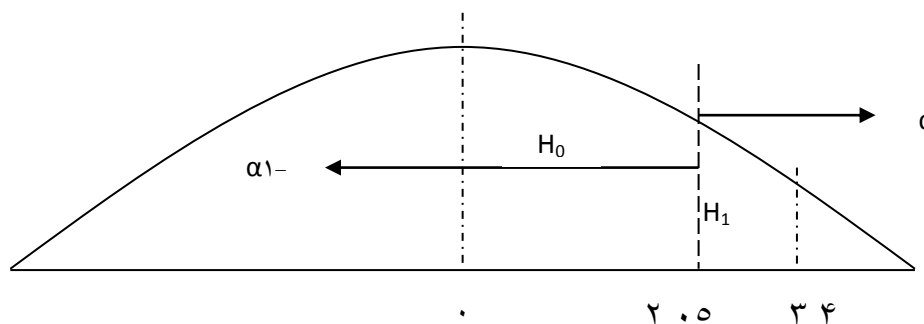
طیف	کاملاً موافقم	موافقم	تا حدودی موافقم	مخالقم	کاملاً مخالفم	جمع
فراوانی	۳۲۹	۸۱۲	۶۳۸	۲۳۷	۳۸	۲۰۵۴
درصد	۱۶/۱	۳۹/۶	۳۱	۱۱/۵	۱/۸	۱۰۰
$\bar{P}$	۸۷		۱۳			

جدول شماره ۱- تعیین آماره آزمون فرضیه اول

$$P_0 = \%70 \quad \bar{P} = \%87 \quad Z = \frac{\bar{P} - P_0}{\sqrt{P_0 \frac{1-P_0}{n}}} = \frac{\%87 - \%70}{\sqrt{\%70 \frac{1-\%70}{79}}} = \frac{\%17}{\sqrt{\frac{0.21}{79}}} = \frac{0.17}{.05} = +3.4$$

• مرحله سوم- تعیین سطح زیر منحنی و نقطه بحرانی:

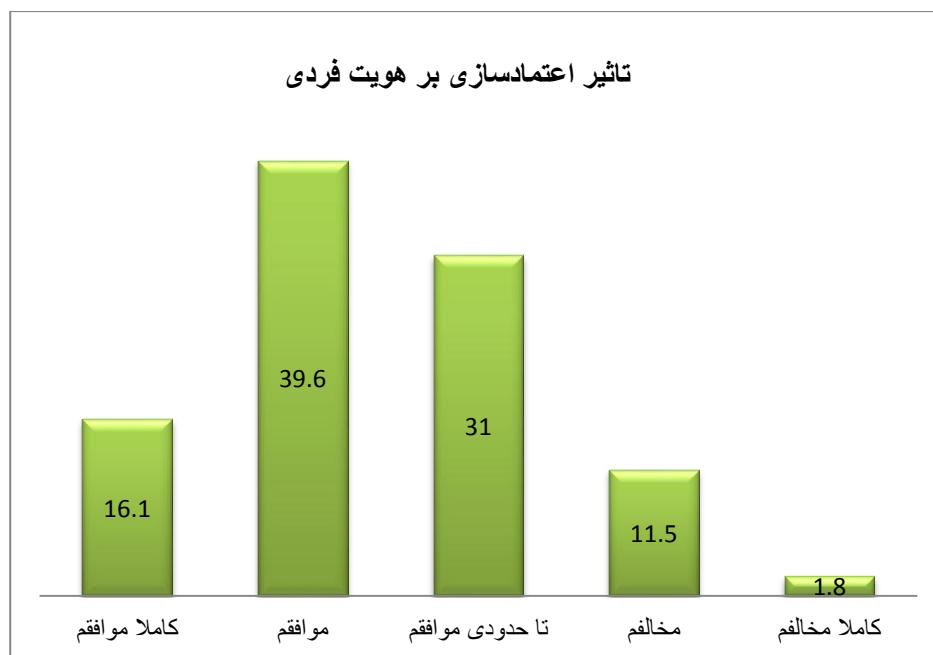
$$\alpha = \%21 \quad 1-\alpha = \%79 \quad Z_{\text{آزمون}} = 3.4 \quad Z = 2.05$$



نمودار شماره ۱- تعیین سطح زیر منحنی فرضیه دوم

• مرحله چهارم- تحلیل:

چون مقدار آماره آزمون (۳.۴) از Z_{α} (مقدار بحرانی ۲.۰۵) بزرگتر است و در ناحیه H_1 قرار گرفته و فرضیه H_1 پذیرفته می‌شود و فرضیه مقابل آن یعنی H_0 رد می‌شود. به عبارتی دیگر با اطمینان ۹۸٪ می‌توان گفت اعتمادسازی از طریق تأثیر بر الگوهای مشترک زبانی، مذهب، آداب و رسوم در امنیت اجتماعی شهر تهران نقش دارد.



نمودار شماره ۲

نتایج حاصل از بررسی فرضیه اول: در بررسی فرضیه اول و چگونگی تأثیرگذاری اعتمادسازی بر هویت فردی مشخص گردید که بیشترین میزان تأثیرگذاری اعتمادسازی، مربوط به آداب و رسوم مشترک اجتماعی است. پس از آن تأثیرپذیری آموزه‌های دینی در رتبه بعدی قرار گرفته و در انتها الگوهای مشترک زبانی قرار دارد. به نظر محقق با عنایت به اینکه آداب و رسوم اجتماعی بر اساس آنچه در فصل دوم به آن پرداخته شد با فرهنگ عمومی و سبک زندگی قرابت زیادی دارد، می‌توان نتیجه گرفت که اعتمادسازی تأثیر بالایی در ترویج الگوی ایرانی-اسلامی سبک زندگی خواهد داشت. در مورد آموزه‌های دینی نیز باید به این نکته اشاره کرد که وجود جو اعتماد در جامعه می‌تواند در نگرش دینی افراد و چنانچه در این تحقیق به آن اشاره شد، بر شرکت در مناسک مذهبی و نیز خودشناسی اثر خواهد داشت. در این جدول مشاهده می‌گردد که کمترین میزان تأثیرگذاری اعتماد، بر الگوهای مشترک زبانی است که به نظر محقق با توجه به اینکه در میان خانواده‌های اقلیت قومی در شهر تهران بعضاً زبان دوم از کودکی به فرزندان آموزش داده می‌شود، در سال‌های بعدی زندگی این علاقه به زبان دوم تغییرناپذیر باقی می‌ماند و اعتمادسازی تأثیری بر آن ندارد.

طیف		کاملاً مخالف	مخالف	تأخیر و موافق	موافق	کاملاً موافق	جمع
تأثیر اعتمادسازی بر آموزه های دینی	فراوانی	۸	۵۴	۲۵۵	۳۳۸	۱۳۵	۷۹۰
	درصد	۱	۶۸	۳۲.۳	۴۲.۸	۱۷.۱	۱۰۰
تأثیر اعتمادسازی بر الگوهای مشترک زبانی	فراوانی	۱۳	۱۲۵	۱۸۰	۱۷۶	۵۹	۵۵۳
	درصد	۲.۳	۲۲.۶	۳۲.۶	۳۱.۹	۱۰.۶	۱۰۰
تأثیر اعتمادسازی بر آداب و رسوم اجتماعی	فراوانی	۱۷	۵۸	۲۰۳	۲۹۸	۱۳۵	۷۱۱
	درصد	۲.۴	۸.۱	۲۸.۵	۴۲	۱۹	۱۰۰

جدول شماره ۲- نقش اعتمادسازی در هویت فردی بر اساس نظریات جامعه نمونه

نتایج حاصل از بررسی فرضیه دوم (تأثیر اعتمادسازی بر هویت اجتماعی) جمع بندی نهایی سؤالات ۲۷ تا ۴۶ (مربوط به فرضیه دوم) به شرح زیر است. میانگین عددی این بخش ۳.۶۹ است.

آزمون استنباطی فرضیه دوم

- مرحله اول - تبدیل فرضیه پژوهشی به فرضیه آماری:

نقیض ادعا = H_0

اعتمادسازی از طریق تأثیر بر هنجارها و ارزش های مشترک اجتماعی، در امنیت اجتماعی شهر تهران نقشی ندارد.

ادعا = H_1

اعتمادسازی از طریق تأثیر بر هنجارها و ارزش های مشترک اجتماعی، در امنیت اجتماعی شهر تهران نقش ایفا می کند.

- مرحله دوم - تعیین آماره آزمون فرضیه:

طیف	کاملاً موافقم	موافقم	تا حدودی موافقم	مخالفم	کاملاً مخالفم	جمع
فراوانی	۳۱۱	۵۹۳	۵۲۰	۱۴۱	۱۵	۱۵۸۰
درصد	۱۹/۷	۳۷/۶	۳۲/۹	۸/۹	۰/۹	۱۰۰
$\bar{P}$	۹۰			۱۰		

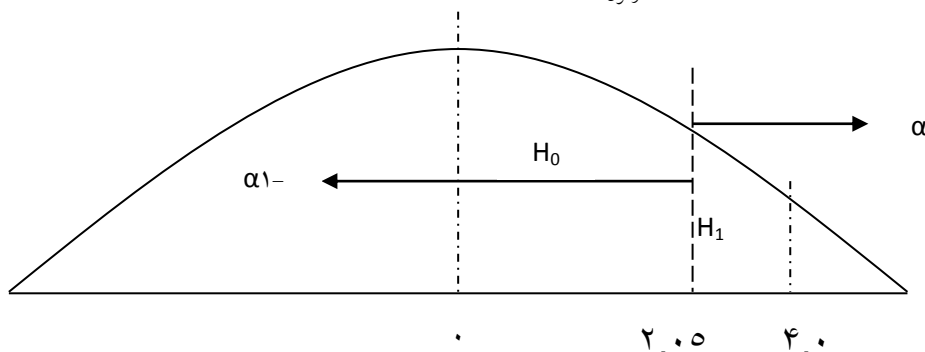
جدول شماره ۳- تعیین آماره آزمون فرضیه دوم

$$\bar{P} = \%90 \quad Z = \frac{\bar{P} - P_0}{\sqrt{P_0 \frac{1-P_0}{n}}} = \frac{\%90 - \%70}{\sqrt{\%70 \frac{1-\%70}{80}}} = \frac{\%20}{\sqrt{\frac{0.21}{80}}} = \frac{0.20}{.05} = +4.0$$

$$P_0 = \%70$$

• مرحله سوم- تعیین سطح زیر منحنی و نقطه بحرانی:

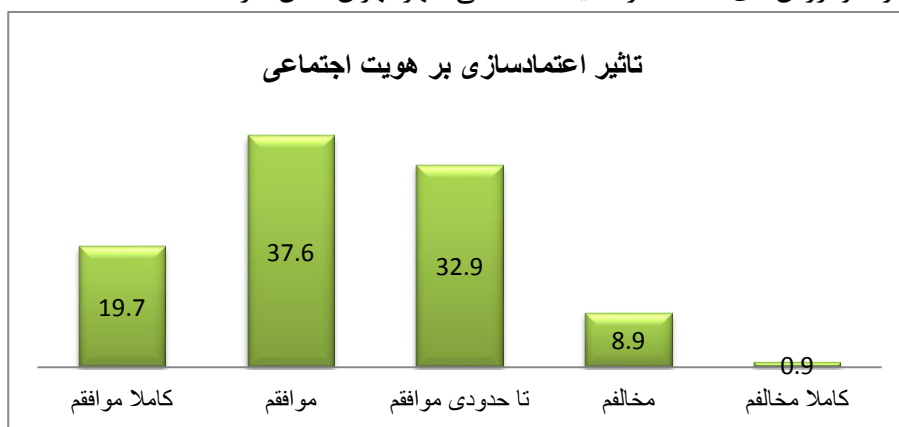
$$Z = ۲.۰۵ \quad \alpha = ۰.۰۲ \quad ۱ - \alpha = ۰.۹۸ \quad Z_{آزمون} = ۴.۰$$



نمودار شماره ۳- سطح زیر منحنی فرضیه دوم

• مرحله چهارم- تحلیل:

چون مقدار آماره آزمون (۴.۰) از $Z\alpha$ (مقدار بحرانی ۲.۰۵) بزرگ‌تر است و در ناحیه H_1 قرار گرفته و فرضیه H_1 پذیرفته می‌شود و فرضیه مقابل آن یعنی H_0 رد می‌گردد. به عبارتی دیگر با اطمینان ۹۸٪ می‌توان گفت اعتمادسازی از طریق تأثیر بر هنجارها و ارزش‌های جامعه در امنیت اجتماعی شهر تهران نقش دارد.



نمودار شماره ۴

در بررسی فرضیه دوم و چگونگی تأثیرگذاری اعتمادسازی بر هویت اجتماعی مطابق جدول شماره ۲۳ مشخص گردید که میزان تأثیرگذاری اعتمادسازی بر هنجارهای مشترک اجتماعی و ارزش‌های مشترک اجتماعی تفاوت چندانی با یکدیگر ندارند. لیکن اعتمادسازی تأثیر بیشتری بر هویت اجتماعی به نسبت تأثیر بر هویت فردی دارد. در مورد میزان تأثیرگذاری اعتماد

تعمیم یافته و نهادی بر ارزش ها و هنجارهای مشترک اجتماعی چنانچه در فصل قبل نیز اشاره گردید، هویت اجتماعی بیشتر تحت تأثیر اعتماد تعمیم یافته قرار دارد.

طیف		کاملاً مخالف	مخالف	تاحدودی موافق	موافق	کاملاً موافق	جمع
تأثیر اعتمادسازی بر هنجارهای مشترک اجتماعی	فراوانی	۷	۵۸	۲۷۴	۲۹۷	۱۵۴	۷۹۰
	درصد	۰.۹	۷.۳	۳۴.۷	۳۷.۶	۱۹.۵	۱۰۰
تأثیر اعتمادسازی بر ارزشهای مشترک اجتماعی	فراوانی	۸	۸۳	۲۴۶	۲۹۶	۱۵۷	۷۹۰
	درصد	۱	۱۰.۵	۳۱.۱	۳۷.۵	۱۹.۹	۱۰۰

جدول شماره ۴- نقش اعتمادسازی در هویت اجتماعی بر اساس نظریات جامعه نمونه

ترتیب اثرگذاری اعتمادسازی بر امنیت اجتماعی

به طوری که در جدول زیر مشاهده می گردد، اقسام مختلف اعتمادسازی به ترتیب جدول زیر بر امنیت اجتماعی اثرگذار هستند. گفتنی است به طور مشخص اعتمادسازی تعمیم یافته بیشترین تأثیر را بر امنیت اجتماعی دارد. هم چنین کمترین تأثیرپذیری امنیت اجتماعی مربوط به الگوهای مشترک زبانی است.

ردیف	طیف اثرگذار بر امنیت اجتماعی	نمره از ۵
۱	اثر اعتمادسازی تعمیم یافته بر آداب و رسوم اجتماعی	۳/۹۱
۲	اثر اعتمادسازی تعمیم یافته بر ارزشهای مشترک اجتماعی	۳/۸۱
۳	اثر اعتمادسازی تعمیم یافته بر هنجارهای مشترک اجتماعی	۳/۷۷
۴	اثر اعتمادسازی تعمیم یافته بر آموزه های دینی	۳/۷
۵	اثر اعتمادسازی بین شخصی بر آموزه های دینی	۳/۶۸
۶	اثر اعتمادسازی بین شخصی بر آداب و رسوم اجتماعی	۳/۶۷
۷	اثر اعتمادسازی نهادی بر هنجارهای مشترک اجتماعی	۳/۶
۸	اثر اعتمادسازی نهادی بر ارزشهای مشترک اجتماعی	۳/۵۴
۹	اثر اعتمادسازی بنیادی بر آموزه های دینی	۳/۴۶
۱۰	اثر اعتمادسازی بنیادی بر آداب و رسوم اجتماعی	۳/۳۳
۱۱	اثر اعتمادسازی تعمیم یافته بر الگوهای مشترک زبانی	۳/۲۶
۱۲	اثر اعتمادسازی بنیادی بر الگوهای مشترک زبانی	۳/۱۸
۱۳	اثر اعتمادسازی بین شخصی بر الگوهای مشترک زبانی	۲/۶۷

جدول شماره ۵- جمع بندی و ترتیب اثرگذاری اعتماد بر امنیت اجتماعی

بحث و نتیجه گیری

تأمین امنیت همواره دغدغه اصلی دولت ها بوده است. همان طور که می دانیم امنیت ابعاد مختلفی دارد که یکی از جنبه های آن و شاید مهم ترین جنبه آن امنیت اجتماعی است. با

عنایت به پیچیدگی مفهوم امنیت اجتماعی و تعبیرها و تعریف‌های فراوانی که برای آن وجود دارد، تعریف موردنظر محقق (مبتنی بر تعاریف کارشناسان) به معنای پاسداری و حفاظت از احساس تعلقات اجتماعی و پیوندهای اجتماعی و احساس "ما"ی جامعه - که واحدهای مختلف اجتماعی را تشکیل می‌دهد - است. در یک کلام امنیت اجتماعی همان هویت جامعه است. حوزه امنیت اجتماعی یکی از اهداف اصلی در تهاجم فرهنگی دشمن است که از طریق عملیات روانی و جنگ نرم دشمن و باهدف گسیختگی اجتماعی دنبال می‌شود. از نظر محقق این هدف با کاهش سرمایه اجتماعی و اعتماد محقق خواهد شد. در این مقاله با اشاره به یافته‌های تحقیق موارد زیر را می‌توان جهت ارتقاء همبستگی اجتماعی و در نتیجه امنیت اجتماعی به‌وسیله اعتمادسازی یاد نمود:

۱) در بررسی اثر انواع اعتماد بر امنیت اجتماعی (جدول شماره ۵)، بالاترین وزن عددی مربوط به تأثیر اعتمادسازی تعمیم‌یافته بر آداب‌ورسوم اجتماعی است. با توجه به تعریفی که در این مورد ارائه شد، تأثیر افزایش اعتماد تعمیم‌یافته بر سبک زندگی (از قبیل نحوه ازدواج، پوشش و مد، نام‌گذاری بر فرزند و مصرف مواد غذایی) بسیار مؤثر است. با توجه به اهمیت ترویج سبک زندگی ایرانی-اسلامی که مورد تأکید حضرت امام خامنه‌ای نیز هست، یکی از بهترین راه‌های رسیدن به این هدف اعتمادسازی تعمیم‌یافته است.

۲) با توجه به قرار گرفتن تأثیر اعتماد تعمیم‌یافته بر ارزش‌ها و هنجارهای مشترک اجتماعی در رتبه دوم و سوم جدول شماره ۵ می‌توان نتیجه گرفت که وجود اعتماد تعمیم‌یافته یک نوع بازدارندگی در مقابل ناهنجاری‌ها و ناامنی‌های اجتماعی و زیر پا گذاشتن ارزش‌های موردقبول جامعه است.

۳) اعتماد بین شخصی پس از اعتماد تعمیم‌یافته بالاترین اثر را بر هویت فردی دارد. این بدان معناست که در ایران همچنان خانواده مهم‌ترین منشأ تحولات اجتماعی بوده و تأثیر زیادی بر هویت فردی دارد. ترویج و تمرین جامعه‌پذیری افراد جامعه از درون خانواده آغاز می‌شود که این امر با آموزش اعضای خانواده و حساس نمودن آنان به این موضوع امکان‌پذیر است.

۴) بیشترین اثر بر روی آموزه‌های دینی وجود اعتماد تعمیم‌یافته است؛ به عبارت دیگر حساسیت افراد جامعه در مورد انجام مناسک و آموزه‌های دینی در وهله اول از طریق جامعه به فرد منتقل می‌گردد.

۵) لزوم گسترش انجمن‌های داوطلبانه و نهادهای واسطه مدنی (همچون نهادهای خیریه) در سطح جامعه ضروری به نظر می‌رسد. کارکرد عمده این گروه‌ها و انجمن‌ها افزایش تعاملات

اجتماعی و در نتیجه سرمایه اجتماعی است. چنانچه این امر صورت پذیرد، افراد همان احساسی را خواهند داشت که در خانواده دارند. در نتیجه ترس‌ها و نگرانی‌های ناشی از بی‌اعتمادی از بین خواهد رفت و اعتماد تعمیم‌یافته شکل خواهد گرفت. بنابراین پیشنهاد می‌شود اعتمادسازی از طریق نهادهای مشارکتی و غیردولتی (از جمله نهادهای خیریه و گروه‌های محله‌محور همچون مساجد) باید در دستور کار قرار گیرد.

۶) هویت اجتماعی بیش از آنکه از اعتماد نهادی تأثیر پذیرد، از اعتماد تعمیم‌یافته تأثیرپذیر است؛ بنابراین جامعه سرشار از صداقت، وفاداری و سایر گزاره‌های اخلاقی مشابه، نسبت به ارزش‌های مشترک آن جامعه (بخوانید ایده آل‌های نظام سیاسی) و هنجارهای مشترک آن جامعه (تأثیرگذاری الگوهای رفتاری بومی در مقابل فرهنگ بیگانه) نیز حساس‌تر است.

۷) اثر اعتمادسازی بنیادی بر آداب و رسوم اجتماعی در رتبه دهم جدول شماره ۵ قرار دارد. این موضوع نشان می‌دهد که تغییر کردن یا نکردن در سبک زندگی از نظر پاسخگویان ارتباط چندانی به تربیت افراد در سال‌های اولیه زندگی ندارد. اما تغییر دیدگاه افراد نسبت به سبک زندگی بیش از تربیت سال‌های اولیه، به ارتباط با سایر اعضای خانواده در سال‌های بعد مربوط است (رتبه ششم جدول ۵). هم‌چنین وجود طیف اثر اعتمادسازی تعمیم‌یافته بر آداب و رسوم اجتماعی نشان می‌دهد که افراد بیش از آنکه سبک زندگی را در خانواده بیاموزند، آن را در جامعه یاد می‌گیرند.

۸) دیدگاه کارشناسان حوزه نیروی انتظامی و صاحب‌نظران دانشگاهی به‌طور محسوسی از دیدگاه کارشناسان حوزه‌های رسانه ملی و اداره کل امور اجتماعی استانداری تهران در مورد امنیت اجتماعی مناسب‌تر است. از این‌رو، برای تبلیغ مؤثر و تأثیرگذاری بر امنیت اجتماعی لازم است ابتدا حساسیت و اهمیت موضوع برای کارشناسان حوزه‌های مرتبط مشخص گردد. به‌ویژه در مورد سازمان صداوسیما که مهم‌ترین رکن تبلیغی در اعتماد نهادی محسوب می‌شود.

۹) مطابق نظریه کاشت که به آن اشاره شد، قرار گرفتن در معرض برنامه‌های یک رسانه منجر به تأثیرگذاری مستقیم رسانه بر فکر و نحوه عملکرد افراد می‌شود. البته پیش‌نیاز استفاده از یک رسانه، اعتماد به آن رسانه است. لذا پیشنهاد می‌گردد سازمان صداوسیما با غنی‌سازی برنامه‌های خود اعتماد مردم به رسانه ملی را افزایش دهد تا به دنبال آن میزان استفاده مردم از رسانه ملی نیز افزایش یافته و از این طریق همبستگی اجتماعی و امنیت اجتماعی محقق گردد. هم‌چنین برنامه‌های این رسانه بایستی به گونه‌ای باشد که جامعه‌پذیری مخاطبان خود را افزایش دهد.

۱۰) به نظر می‌رسد تنوع قومی مشکل چندانی برای امنیت اجتماعی شهر تهران به وجود نمی‌آورد. با توجه به تحلیل سؤالات مربوط به الگوهای مشترک زبانی و قرار گرفتن سؤالات آن در سه رتبه آخر جدول شماره ۵ (نقش انواع اعتمادسازی بر الگوهای مشترک زبانی) وجود تنوع قومی تهدید چندانی برای امنیت اجتماعی شهر تهران محسوب نمی‌شود. به نظر محقق اگر این پژوهش در شهر دیگری انجام می‌شد، نتایج آن در این مورد با نتایج شهر تهران متفاوت بود.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. امام خامنه‌ای (مدظله) (۱۳۶۹)؛ مجموعه بیانات (سخنرانی در نماز جمعه - ۱۳۶۹/۰۱/۱۰) دسترسی در www.khamenei.ir.
۳. امام خامنه‌ای (مدظله) (۱۳۹۱)؛ مجموعه بیانات (سخنرانی در جمع جوانان و نخبگان خراسان شمالی - بجنورد ۱۳۹۱/۰۷/۲۳) دسترسی در www.khamenei.ir.
۴. امام خامنه‌ای (مدظله)، (۱۳۸۷)؛ مجموعه بیانات (سخنرانی در جمع مردم شیراز ۱۳۸۷/۰۲/۱۱) دسترسی در www.khamenei.ir.
۵. امام خامنه‌ای (مدظله) (۱۳۸۴)؛ مجموعه بیانات (سخنرانی در جمع دانشجویان استان کرمان ۱۳۸۴/۰۲/۱۹) دسترسی در www.khamenei.ir.
۶. آزاد ارمکی، تقی و کمالی، افسانه (۱۳۸۳)؛ اعتماد، اجتماع و جنسیت، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۵ شماره ۱۸.
۷. آزاد ارمکی، تقی (۱۳۹۳)؛ جامعه‌شناسی فرهنگ، چاپ دوم، تهران، نشر علم.
۸. ابوالحسنی، رحیم، (۱۳۸۸)؛ تعیین و سنجش مؤلفه‌های هویت ایرانی، تهران، نشر پژوهشکده تحقیقات راهبردی.
۹. ابراهیمی، قربانعلی و بابازاده، علی (۱۳۸۹)؛ بررسی تأثیر رسانه‌های جمعی بر اعتماد اجتماعی (مطالعه موردی افراد بالای ۲۰ سال در شهر بابل)، فصلنامه مطالعات فرهنگی و ارتباطات، سال ششم، شماره ۲۱.
۱۰. احمدی مقدم، اسماعیل (۱۳۸۹)؛ امنیت اجتماعی و هویت، فصلنامه مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۲۳.
۱۱. افتخاری، اصغر (۱۳۹۲)؛ امنیت اجتماعی شده رویکرد اسلامی، تهران، نشر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۲. افتخاری، اصغر (آبان ۱۳۸۹)؛ سرمایه اجتماعی و امنیت ملی، مندرج در: سرمایه اجتماعی و وضعیت آن در ایران، جاوید، محمدجواد و ایزدی جیران، اصغر، تهران، نشر پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۱۳. بخشایش، علیرضا و رضایی مقدم، مریم (۱۳۹۰)؛ رابطه دین‌داری و خودشناسی با شکل‌گیری هویت، ماهنامه معرفت، سال بیستم، شماره ۱۶۳.
۱۴. برجعلی، زهرا و خسروی، زهره و پورشهریاری، مه سیما (۱۳۹۲)؛ نقش جهت‌گیری مذهبی در ساخت هویت فردی، مجله روانشناسی و دین، سال ششم، شماره سوم.

۱۵. بوزان، باری (۱۳۹۰)؛ **مردم، دولت‌ها و هراس**، چاپ سوم، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۶. تامپسون، کنت (۱۳۹۲)؛ **نقل‌قول‌های کلیدی در جامعه‌شناسی**، ترجمه نیره توکلی، تهران، نشر ثالث.
۱۷. جان‌بزرگی، مسعود (۱۳۸۶)؛ **جهت‌گیری مذهبی و سلامت روان، مجله پژوهشی دانشکده پزشکی دانشگاه شهید بهشتی**، دوره ۳۱، شماره ۴.
۱۸. جهان‌بین، فرزاد و امامی، اعظم (۱۳۹۳)؛ **سرمایه اجتماعی حلقه ارتباطی قدرت نرم، امنیت نرم و تهدید نرم، دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم**، سال چهارم، شماره ۱۱.
۱۹. حاج قاسم، فائزه (۱۳۹۰)؛ **عوامل اجتماعی مؤثر بر وضعیت اعتماد اجتماعی در سطح شهر تهران (مقایسه دو محله دارآباد و فرمانیه)**، تهران، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
۲۰. حسونود، اسماعیل (۱۳۸۹)؛ **بررسی ارتباط اعتماد اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی در سطوح روستا، شهر و داده‌های جهانی (پیمایش شهرستان سلسله و تحلیل ثانویه پیمایش ارزش‌های جهانی)**، تهران، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
۲۱. ذاکری هامانه، راضیه و افشانی، علیرضا و عسکری ندوشن، عباس (۱۳۹۱)؛ **بررسی رابطه میزان سرمایه اجتماعی و احساس امنیت اجتماعی (شهر یزد)**، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، سال ۱۳، شماره ۳ جدید.
۲۲. رضوی زاده، نورالدین (۱۳۸۶)؛ **تأثیر مصرف رسانه‌ها بر سبک زندگی ساکنان تهران، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و هنر و ارتباطات.**
۲۳. زارعی، ایوب (۱۳۸۷)؛ **اعتماد و نهادهای مدنی به‌مثابه کارگزاران سرمایه اجتماعی**، مندرج در پژوهش‌نامه اعتماد، صالحی امیری، رضا، تهران، پژوهشکده تحقیقات راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۲۴. زتومکا، پیوتر، (۱۳۹۰)؛ **اعتماد: نظریه جامعه‌شناختی**، چاپ سوم، ترجمه غلامرضا غفاری، تهران، نشر شیرازه.
۲۵. زورق، محمدحسن (۱۳۹۱)؛ **ارتباطات و آگاهی**، تهران، نشر سروش.
۲۶. زین‌آبادی، مرتضی (۱۳۸۷)؛ **بررسی وضعیت اعتماد در جامعه ایران و راه‌های بازسازی آن**، مندرج در پژوهش‌نامه اعتماد (ص ۳۳ تا ۶۵)، صالحی امیری، رضا، تهران، پژوهشکده تحقیقات راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۲۷. سمیعی، زهره (۱۳۸۷)؛ **اعتماد اجتماعی و خانواده**، مندرج در پژوهش‌نامه اعتماد، صالحی امیری، رضا، تهران، پژوهشکده تحقیقات راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام.

۲۸. شارع پور، محمود و رزاقی، نادر و غلامزاده، خلیل (پاییز ۱۳۸۹)؛ بررسی رابطه انواع اعتماد با اعتماد اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه مازندران، **مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران**، دوره چهارم، شماره ۳ (۱۱ پیاپی).
۲۹. صارمی، نوذر امین (۱۳۸۰)؛ **انحرافات اجتماعی و خرده‌فرهنگ‌های معارض**، تهران، انتشارات دانشگاه علوم انتظامی.
۳۰. عباسی قادی، مجتبی و خلیلی کاشانی، مرتضی (۱۳۹۲)؛ **تأثیر اینترنت بر هویت ملی**، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۳۱. -غفورزاده ورنو، عزت‌الله (۱۳۹۰)؛ **تهدیدات اجتماعی و امنیت ملی**، تهران، نشر دانشگاه عالی دفاع ملی.
۳۲. فیروزآبادی، سید احمد (آبان ۱۳۸۹)؛ **سنجش سرمایه اجتماعی در سطوح سه‌گانه با تأکید برخی پژوهش‌ها در ایران**، مندرج در: سرمایه اجتماعی و وضعیت آن در ایران، جاوید، محمدجواد و ایزدی جیران، اصغر، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۳۳. کراوس، کیت و ویلیامز، مایکل (۱۳۹۱)؛ **فراخ ساختن دستور کار مطالعات امنیتی: سیاست‌ها و روش‌ها**، مندرج در: جامعه امنیت هویت (ترجمان جامعه و امنیت)، روچیلد، اما و دیگران، ترجمه علیرضا طیب، جلد اول، چاپ اول، تهران، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۳۴. کلمن، جیمز (۱۳۷۷)؛ **بنیادهای نظریه اجتماعی**، چاپ اول، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
۳۵. کوئن، بروس (۱۳۹۱)؛ **مبانی جامعه‌شناسی**، چاپ بیست و پنجم، ترجمه غلام عباس توسلی و رضا فاضل، تهران، انتشارات سمت.
۳۶. گلباغ اسدی، شیرین (۱۳۸۷)؛ **سرمایه اجتماعی و رضایت شغلی (مطالعه موردی دانشگاه کردستان)**، سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده مدیریت.
۳۷. گلابی، فاطمه (۱۳۸۹)؛ **مطالعه اعتماد اجتماعی در تبریز با رویکرد نسلی**، تهران، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی.
۳۸. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷)؛ **چکیده آثار آنتونی گیدنز**، ترجمه حسن چاوشیان، تهران، نشر ققنوس.
۳۹. گیدنز، آنتونی (۱۳۹۲)؛ **پیامدهای مدرنیته**، چاپ هفتم، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر مرکز.
۴۰. گیدنز، آنتونی (۱۳۹۳)؛ **تجدد و تشخیص**، چاپ نهم، ترجمه ناصر موفقیان، تهران، نشر نی.

۴۱. مرادیان، محسن (۱۳۸۸)؛ **تهدید و امنیت**، تهران، نشر مرکز آموزشی و پژوهشی شهید صیاد شیرازی.
۴۲. مرادیان، محسن (۱۳۹۰)؛ **مبانی نظری امنیت**، تهران، نشر دانشکده علوم و فنون فارابی
۴۳. مستوفی، اکرم (۱۳۸۹)؛ **بررسی رابطه هویت اجتماعی زنان و احساس امنیت آنان (بررسی موردی زنان شهر تهران)**، تهران، دانشگاه پیام نور (گروه جامعه‌شناسی).
۴۴. معین، محمد (۱۳۸۲)؛ **فرهنگ فارسی معین**، جلد اول، ویرایش محمود نامنی، تهران، نشر سی گل.
۴۵. معیدفر، سعید و جهانگیری، پرویز (۱۳۸۸)؛ **اعتماد اجتماعی تعمیم‌یافته و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن-مطالعه موردی شهر ارومیه، دو فصلنامه پژوهشی جامعه‌شناسی تاریخی**، سال اول، شماره اول.
۴۶. موحد، مجید و مظفری، روح‌الله و علیزاده، سمانه (۱۳۹۱)؛ **مطالعه رابطه سرمایه اجتماعی با اعتماد نهادی، فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی**، سال اول، شماره ۳.
۴۷. معین، محمد (۱۳۸۲)؛ **فرهنگ فارسی معین**، جلد ۴، ویرایش محمود نامنی، تهران، نشر سی گل.
۴۸. نجفی، محمود و دیگران (۱۳۸۵)؛ **بررسی رابطه کارایی خانواده و دین‌داری با بحران هویت، دوماهنامه علمی-پژوهشی دانشور رفتار**، سال ۱۳، شماره ۱۶.
۴۹. نصری، قدیر (۱۳۸۵)؛ **فهم کانستراکتیویستی امر سیاسی، فصلنامه مطالعات راهبردی**، سال نهم، شماره ۴.
۵۰. همیلتون، ملکم (۱۳۹۲)؛ **جامعه‌شناسی دین**، چاپ چهارم، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر ثالث.
۵۱. ویکی‌پدیا (فارسی)

1. <http://bornamodares.blogfa.com>

